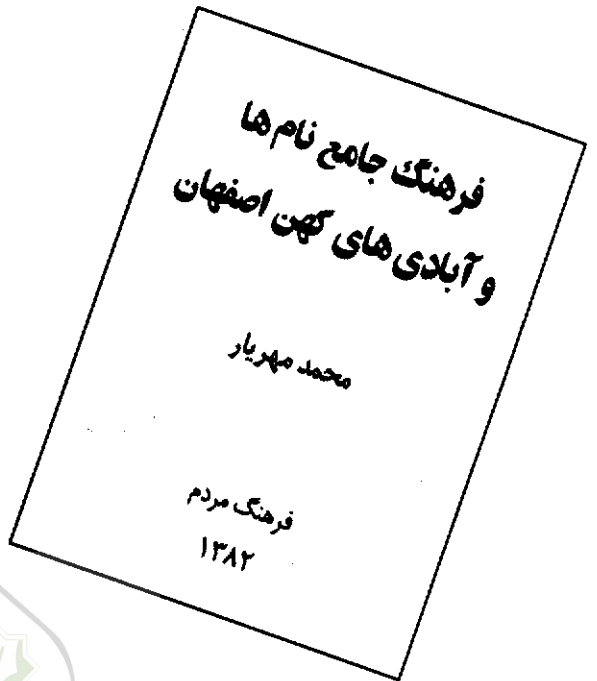


نگاهی به فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان

حمیدرضا میرمحمدی



فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان، محمد مهریار،
فرهنگ مردم، چاپ اول، ۱۳۸۲.

فرهنگ فوق دارای دیباچه‌ای در هرژه صفحه است که بیانگر نحوی تدوین و تألیف اثر و اصول و قواعد نام‌گذاری آبادی‌ها می‌باشد. کلیه مکان‌های جغرافیایی به ترتیب حروف الفبا تنظیم و بررسی شده است. اثر با نام «آباد» آغاز و به «یونارت» ختم می‌شود. مجموع آبادی‌ها در ۹۲۳ صفحه مورد بررسی قرار گرفته و سپس نمایه کاملی از نام‌ها شامل نام‌های، اشخاص، اقوام و قبایل، زبان‌ها و لهجه‌ها و فهرست نام کتاب‌ها و نشریات مجموعاً در ۱۱۷ صفحه ارائه گردیده است.

در اثر فوق ۱۸۵۶ آبادی مورد بحث قرار گرفته است. جای چنین فرهنگی نه تنها در استان اصفهان که در کل کشور خالی و نیاز مبرم به چنین فرهنگ‌هایی همچنان پابرجاست. جمع‌آوری و تدوین چنین اثری نیز کاری بس طاقت‌فرسا و دشوار است، چنان‌که در مقدمه آن آمده است مؤلف محترم رنج سی ساله را در تحقیق و تفحص و تألیف بر خود هموار نموده است. نگارنده این سطور به واسطه نیاز مبرمی که به چنین اثری داشته و دارم با معرفی اثر در شماره ۸۳ مجله آینه پژوهش موفق به تهیه و مطالعه آن گردیدم. در حین مطالعه به سبب مطالعاتی چند درباره

شهرستان‌های استان اصفهان در سال‌های گذشته به مواردی چند در فرهنگ فوق برخوردیم که ذکر آن را خالی از فایده ندانستیم:

۱. سال‌ها قبل که در دانشگاه مشغول تحصیل بودم استادی گرامی که تمامی وقت خود را صرف مسائل اقتصادی خارج از دانشگاه نموده بود جزوه‌ی درسی‌ای را ارائه نموده بود که ارقام و اعداد آن اغلب مربوط به دهه‌ی چهل و قبل از آن بود. هرگاه با مخالفت دانشجویان مواجه می‌گردید اعلام می‌داشت که عمداً چنین ارقامی ارائه گردیده تا حس تحقیق و تفحص در دانشجویان تقویت شود و به دنبال جدیدترین آمار و اعداد باشند. در فرهنگ فوق نیز کلیه ارقام و اعداد و شماره‌نفس آبادی‌ها مربوط به سال ۱۳۴۵ می‌باشد. آمار و اطلاعاتی از این دست، بهره‌خوانندگان را از چنین آثاری اندک می‌نماید، چرا که حداقل سه دوره مختلف از سرشماری‌های کشور از سال ۱۳۴۵ تاکنون می‌گذرد و ما در آستانه آماده‌سازی امور مربوط به سرشماری سال ۱۳۸۵ می‌باشیم، لیکن آمار مورد بحث براساس سرشماری ۱۳۴۵ است.

۲. به نظر می‌رسد استاد محترم کار مطالعات فوق را در دوران جوانی به انجام رسانیده و امروزه با نثر قدیم و اغلب نارسا به تنظیم آن مبادرت ورزیده است، ضمن آن‌که اثر فوق ویراستار نیز داشته است. در فرهنگ فوق در تقسیمات کشوری به بلوک، ولایت، ایالت و ناحیه اشاره داشته، در حالی که در تقسیمات کشوری ایران از سال ۱۳۱۶ تاکنون بلوک، ایالت، ولایت و ناحیه جایگاهی ندارند و اغلب برای نسل جوان بی‌مفهوم است برای نمونه در صفحه ۱۳۴: اشکستان در بلوک حومه از

نام کهن «کودولیه» یا «کوالیه» که بعد از اسلام، مشهد کاوه نامگذاری گردید اشاره نشده، اما آبادی دامنه که اخیراً شهر گردیده و سابقه چندانى ندارد جزو آبادی های کهن ذکر گردیده است.

۹. برخی از معانی واژه ها در پاورقی به سایر واژه ها ارجاع داده شده و لذا بعضی از واژه های بی معنا مانده اند و پاسخی به خوانندگان داده نشده است.

با این مقدمه به بیان چند مورد معدود اشاره می گردد.

۱. در صفحه ۹ و ۱۰ تفاوتی بین شهر و شهرک و روستا قایل نگردیده، برای مثال در شهمیرزاد و ولاسگرد را دو شهرک محسوب نموده. در صورتی که شهمیرزاد از جمله شهرهای استان سمنان است و ولاسگرد از جمله روستاهای این استان است.

۲. صفحه ۱۱ واژه رباط را واژه ای عربی و صحیح آن را به کسر اول آورده است، به معنای قسمتی از لشکر که در مرزها برای مقابله با بیگانگان قرار داشته و به معنای کاروانسرا. در صورتی که واژه معمول در آبادی های ایران به ضم اول است که واژه ای است کهن که ریشه فارسی دارد. رباط منحصرآبه ساختمان های کنار راه به ویژه بیرون از شهر و آبادی اطلاق می شود و از روزگاری بسیار کهن به زبان تازی راه یافته و حتی از آن فعل نیز ساخته اند و ارتباط به معنای منزل گرفتن و آسودن در میان راه به کار می رفته است [راه و رباط، ص ۱۲۲]

۳. در صفحه ۱۱ در توضیح واژه «خلج» آمده است که این واژه بر ۳۵ دیه در اطراف کشور اطلاق شده است. در حالی که این واژه در مرکز کشور و حتی در استان اصفهان نیز وجود دارد، از جمله آبادی های خلج و نهر خلج در شهرستان فریدن در استان اصفهان [دیباجهای بر جغرافیای تاریخی فریدن، ص ۱۲۲].

۴. در صفحه ۲۷ آبادی خره را از آبادی های اصفهان دانسته، در حالی که از آبادی های استان چهارمحال و بختیاری است و در محدوده استان اصفهان نمی باشد. از طرفی آبادی های آب خره در شهرکرد، قزوین و مهاباد نیز که در محدوده اصفهان نمی باشند، مذکورند.

۵. در صفحه ۲۹ آب ریژه یا حسن آباد آب ریژه را دیهی در ناحیه باختر اصفهان و در بلوک کرون آورده است. این آبادی در شهرستان تیران و کرون واقع است و سابقاً نیز در محدوده شهرستان نجف آباد بوده و ارتباطی به اصفهان ندارد.

۶. در صفحه ۳۷ مؤلف در توضیح آبادی آچک، آن را دیهی از روستای فریدن اصفهان دانسته. در حالی که فریدن روستا نیست و از سال ۱۳۲۶ شهرستانی مستقل بوده و بین اصفهان تا شهرستان فریدن، شهرستان های نجف آباد و تیران و کرون واقع

شهرستان نائین است یا در صفحه ۱۴۰. آبادی اُشیان دیه بزرگی است در شهرستان لنجان اصفهان که در ضمن نام بلوک هم هست و ده ها نمونه دیگر؛ در بیان فاصله شهرها و آبادی ها به جای کیلومتر به فرسنگ اشاره کرده است، برای نمونه در صفحه ۲۷۸: «تینجان» یکی از آبادی های کهن دهستان جبل بخش کوهپایه که در سه فرسنگی شمال جاده اصفهان-نائین قرار دارد.

۳. بی توجهی به تقسیمات کشوری و بیان آبادی ها و شهرهای متعدد در محدوده خارج از اصفهان. استاد باستانی پاریزی می گوید: قسم خورده ام که در تمام آثارم به کرمان و کرمانی اشاره ننمایم و به قول معروف از چوب، کرمانی بتراشم. به نظر می رسد استاد مهریار، اصفهان را مرکز عالم در نظر گرفته و سایر شهرها و آبادی ها به فرموده ایشان، دیهی در عداد دیه های اصفهانند؛ شهرها و آبادی های یزد، چهارمحال و بختیاری و بخشی از آبادی های استان مرکزی در عداد دیه های اصفهان محسوب و منظور گردیده است.

۴. در بیان مکان ها جملات تکراری بسیار است، برای نمونه در بیان آبادی های شهرستان فریدن در صفحات ۳۷، ۴۰، ۴۶، ۴۶، ۴۶، ۷۴، ۸۱، ۹۷، ۱۷۰، ۱۹۵، ۲۲۰، ۲۲۱، ۳۷۶، ۴۴۳، ۴۱۹، ۵۴۴، ۵۶۴، ۶۲۷، ۷۶۶ و ۸۴۷ کلیه موارد و جملات تکراری است، در ضمن به واژه فریدن نیز ارجاع داده شده است.

۵. به علت آن که جمعیت و تقسیمات کشوری سال ۱۳۴۵ ملاک عمل قرار گرفته است بسیاری از شهرهای کنونی که دارای جمعیت در خور توجهی نیز می باشند جز روستاها محسوب گردیده اند.

۶. به روز نبودن اسامی مکان ها همچون اعداد و ارقام جمعیتی، برای مثال سد زاینده رود تنها در صفحات ۲۴ و ۲۰۱ ذکر گردیده، در حالی که نام قدیم سد زاینده رود یعنی سد شاه عباس که حداقل ۲۵ سال قبل مرسوم بوده، حداقل در صفحات ۳۱۹، ۴۵۹، ۵۵۹، ۶۴۲، ۶۴۵ و ۸۷۸ آمده است.

۷. به علت به روز نبودن اعداد و اطلاعات ارائه شده، اغلب آبادی های سابق که با گسترش شهرها در شهرها ادغام گردیده و از محله های شهرها محسوب می گردند به عنوان یک آبادی مستقل مورد بررسی قرار گرفته اند که نمونه هایی از آن به تفصیل خواهد آمد.

۸. جای بسیاری از آبادی های کهن در فرهنگ فوق خالی است و بسیاری آبادی هایی که در زمره دیه های کهن آمده اند سابقه چندانى ندارند مثلاً به آبادی مشهد کاوه در شهرستان فریدن با

و آخوره آمده و بعد از آن به علت کوهستان های بلند زاگرس، شهر و مکان آبادی وجود ندارد و چون دو آبادی به این نام در نزدیکی هم بودند یکی را آخوره بالا و دیگری را آخوره پایین نامیدند. در سال ۱۳۳۵ جمعیت آخوره به ۵۰۰۰ نفر رسید و تبدیل به شهر شد و لذا نام آخوره بالا به «فریدونشهر» تغییر یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نام آخوره پایین به «وحدت آباد» تغییر یافت. بنابراین سابقه آخوره یا فریدونشهر بیش از ۴۰۰ سال نمی باشد و لذا این واژه هیچ ارتباطی با واژه اوستایی ندارد. دیگر این که آخوره یا فریدونشهر سابقه شهریت حدود ۴۳ ساله دارد و از دیه های اصفهان محسوب نمی گردد و امروزه مرکز شهرستانی به همین نام در ۱۷۵ کیلومتری اصفهان است (دیبچه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن، ص ۱۳۷-۱۳۴).

۸. در صفحه ۴۲ آبادی «آدرو» از آبادی های دهستان تنگ چنار یزد ذکر شده است که از اصفهان نمی باشد.

۹. در صفحه ۴۶ آوگان (عادگان) رادیه بزرگ در دهستان چادگان شهرستان فریدن آورده است، در حالی که چادگان از جمله شهرستان های استان اصفهان است و در گذشته نیز دهستان نبود و مرکز بخش چاوگان بوده و سابقه شهریت چاوگان از سال ۱۳۴۲ می باشد (شهرنشینی و نظام شبکه شهری استان اصفهان، ص ۱۵۲).

۱۰. در صفحه ۵۲ آذرشک رادیه ای از روستای مهریز از شهرستان یزد ذکر کرده است. توضیح آن که اولاً مهریز شهر است نه روستا و در سال ۱۳۷۵ دارای ۲۵۲۳۹ نفر جمعیت بوده است، ثانیاً مهریز یکی از شهرستان های استان یزد است، نه از روستاهای شهرستان یزد، ثالثاً فرهنگ آبادی ها مربوط به استان اصفهان است و آذرشک در استان یزد واقع است.

۱۱. در صفحه ۵۰ آذرمناباد رادیه ای در روستای برخوردار ذکر نموده، در حالی که برخوردار و میمه از جمله شهرستان های استان اصفهان است و برخوردار در سال ۱۳۷۵ دارای ۱۴۰۲۱ نفر جمعیت بوده است.

۱۲. در صفحه ۵۲ در ذکر آرجان از روستاهای گلپایگان، شهر گوگردیه محسوب نموده. ضمناً کتجدجان که امروزه گلشهر نامیده می شود نیز از جمله شهرهای شهرستان گلپایگان است نه روستا.

۱۳. در صفحه ۵۷ آریج رادیه ای در عداد دیه های دهستان بهاباد شهرستان یزد ذکر نموده. اولاً این آبادی در استان اصفهان نیست، ثانیاً بهاباد از جمله شهرهای شهرستان بافق می باشد و دهستان نیست.

۱۴. در صفحه ۶۰ آزان رادیه ای در دهستان برخوردار و میمه

و این روستا از روستاهای شهرستان فریدن است، نه آن که فریدن روستایی است از روستاهای اصفهان.

۷. در صفحه ۴۰ آخوره رادیه ای از دهستان گرجی از دهستان فریدن آورده است و توضیحات زندگی اجتماعی آن هیچ ربطی به زندگی حداقل ۳ دهه گذشته این مکان ندارد. توضیح آن که آخوره یا فریدونشهر اکنون مرکز شهرستانی به همین نام است. مؤلف محترم «آخوره» را از دو بخش «او» و «خوره» به معنای فرآب دانسته است و آن را از ریشه اوستایی در نظر آورده است، در صورتی که آخوره کلمه ای اوستایی نیست و سابقه به کارگیری این واژه در این مکان نیز از حدود ۴۰۰ سال پیش نمی گذرد. توضیح آن که شاه عباس صفوی هنگامی که در سال ۱۰۱۳ ق هزاران خانوار گرجی و ارمنی و شروانی را به خاک ایران کوچانید مخصوصاً دستور داد که هر یک از این اقوام را به مکانی که در آن آب و هوا و مقتضیات زندگانی با وطن اصلی شان شبیه و نزدیک باشد انتقال دهند. به همین دلیل گرجی ها را ابتدا در مازندران سکونت دادند، ولی با نامساعد بودن آب و هوا تلفات زیادی دادند و سپس به شهرستان های داخلی ایران روانه شدند. گرجی هایی که به فریدن مهاجرت نمودند، در زمان شاه عباس ابتدا در محله عباس آباد اصفهان و بعد مدتی در محل فعلی شهر نجف آباد زندگی کردند و چون در نزاعی، تعدادی از اهالی کشته شدند با دشمنی اهالی روبه رو شدند و پیوسته در نزاع بودند. در نتیجه شاه عباس برای خاتمه دادن به این نزاع ها و جلوگیری از حملات پی در پی عشایر بختیاری به روستاهای فریدن و از طرفی آباد کردن زمین های بایر، دستور کوچاندن گرجی ها را به فریدن می دهد و گرجی ها آخرین بخش فریدن یعنی آخره (آخوره) یا همان فریدونشهر فعلی را جهت شباهت آب و هوایی با گرجستان و از سویی تا اندازه ای برای فرار از پرداخت مالیات، انتخاب کردند.

گرجی های ساکن آخوره به زبان گرجی، آخوره را «سوپلی» به معنای زادگاه می نامند، زیرا اولین گرجی ها در این ناحیه ساکن شدند. عشایر چهارسنگ و فارسی زبانان، این ناحیه را آخوره می نامند. از دلایل مهمی که در این باره می توان ذکر کرد، این که چون این ناحیه بزرگ ترین منطقه تمرکز جمعیت در آخرین قسمت فریدن و در واقع استان اصفهان بوده، به نام آخره

از شهرستان اصفهان محسوب نموده که همچنان که گذشت بر خوار و میمه شهرستان است.

۱۵. در صفحه ۶۱ آسگان را قلعه و صحرایی در روستای لنجان اصفهان ذکر نموده است. توضیح آن که لنجان از جمله شهرستان های استان اصفهان است که در سال ۱۳۷۵ دارای ۲۰۶۶۱۱ نفر جمعیت بود، بنابراین از جمله روستاهای اصفهان نمی باشد.

۱۶. در صفحه ۶۲ آسمان را دیهی در دهستان رباطات یزد ذکر نموده، ظاهر آیزد از توابع اصفهان محسوب گردیده!

۱۷. در صفحه ۶۴ در ذکر آشیان از توابع نائین، معنای آشیان را با آشتیان که از جمله شهرستان های استان مرکزی است یکسان در نظر گرفته است، در صورتی که نام قدیم آشتیان در استان مرکزی ابرشتجان اردوان اصغر بن بلاش آن را بنا کرده است [مسیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، ص ۷۲] کسروی در نام شهرها و دیه های ایران (صفحه ۶۰) آشیان را در زبان پهلوی به معنای پرستشگاه و جایگاه قربانی آورده است. جغرافیای استان مرکزی ضمیمه جغرافیای ایران (صفحه ۲۹) ابرشتجان و آشتیان را یکی دانسته است.

۱۸. در صفحه ۶۵ در بیان آشجرد دیهی در دهستان ورزق فریدن، چنین آمده است: «بیشتر ساختمان های دیه های روستای فریدن با خشت خام برآورده شده است». این در حالی است که فریدن خود شهرستانی مستقل است که در سال ۱۳۲۶ دارای فرمانداری مستقل گردیده، لذا روستا نمی باشد و خود دارای ۱۴۶ روستای دارای سکنه می باشد.

۱۹. در صفحه ۶۷ آشنایی را دیهی در دهستان میان کوه شهرستان یزد آورده است، بنابراین در محدوده استان اصفهان نمی باشد.

۲۰. در صفحه ۶۹ آبادی آهنگ در دهستان عقدا ذکر شده است. این دهستان در شهرستان اردکان واقع در استان یزد می باشد و ارتباطی با استان اصفهان ندارد.

۲۱. در صفحه ۷۴ ابول از جمله آبادی های شهرستان فریدن آورده شده است. در صورتی که این آبادی در شهرستان فریدونشهر واقع است. در پایان همین مبحث از شهرستان فریدن به دهستان فریدن تعبیر شده است.

۲۲. در صفحه ۸۰ در بیان «ارآن» گوید دیه بزرگی است در دهستان تیران نجف آباد. نکته این که تیران و کروند اکنون مرکز شهرستانی به همین نام است و در گذشته نیز شهر تیران یکی از بخش های شهرستان نجف آباد بوده و دهستان نبوده است.

۲۳. در صفحه ۸۹ مؤلف آبادی ارجنک خوانسار را از جمله آبادی های شهرستان گلپایگان محسوب نموده و در بیان معنای آن نیز دچار اشتباه شده است و معنای آن را با گیاه ارژن یکی دانسته است. در صورتی که ارجنک و ارجن یا ارژن نوعی درخت کوهی است که در کوهستان های این ناحیه نیز می روید.

۲۴. در صفحه ۹۰ آبادی ارسور از جمله آبادی های شهرستان گلپایگان محسوب گردیده. در صورتی که ارسور یکی از محله های شهر خوانسار می باشد.

۲۵. در صفحه ۹۳ اروندرود مورد بررسی قرار گرفته، در صورتی که نه در استان اصفهان واقع است و نه آبادی است، بلکه رودخانه ای است در استان خوزستان؛ حال چه نسبتی بین اروندرود و اصفهان وجود دارد!

۲۶. در صفحه ۹۲ آبادی اروچه در دهستان جوشقان اصفهان محسوب گردیده. در حالی که این آبادی جزء دهستان تودشک بخش کوهپایه اصفهان می باشد.

۲۷. صفحه ۹۵ از یک نام دیهی است در دهستان کهنسال نبادکوک یزد، لذا نسبتی با اصفهان ندارد.

۲۸. صفحه ۱۰۳ استارچ در دهستان نبادکوک یزد است و در اصفهان واقع نیست.

۲۹. در صفحه ۱۲۲ اسگران (عسگران) را مؤلف از بلوک شهرستان نجف آباد آورده است. در حالی که عسگران در شهرستان تیران و کروند قرار دارد و از سویی بلوک در تقسیمات فعلی ایران جایگاهی ندارد.

۳۰. در صفحه ۱۲۸ اُستیجه از جمله دیه های دهستان عقدا در شهرستان یزد عنوان گردیده. اولاً ربطی به اصفهان ندارد و ثانیاً دهستان عقدا در شهرستان اردکان واقع است.

۳۱. صفحه ۱۳۰ در خصوص اشکذر آمده است که این واژه نام دیهی یا بهتر بگوییم شهرکی است در جمع دیه های استاق شهرستان یزد. اولاً اشکذر در استان یزد واقع است، ثانیاً اشکذر از جمله شهرهای شهرستان یزد می باشد و در سال ۱۳۷۵ دارای ۱۱۴۱۳ نفر جمعیت بوده است، بنابراین دیه نمی باشد.

۳۲. در صفحه ۱۳۵ آبادی اشکفتو مورد بحث قرار گرفته در شهرستان یزد که طبیعتاً در اصفهان نمی باشد.

۴۵. صفحه ۱۹۵ در خصوص آبادی بردشاه آن را دیه ای در دهستان چادگان شهرستان فریدن آورده است. اولاً چادگان دهستان نمی باشد، بلکه شهرستانی است در حاشیه رودخانه زاینده رود، ثانیاً در سطر ۲۱ مؤلف مدعی گشته که آرامنه ساکن فریدن در سال ۱۳۲۲ از فریدن به ارمستان بازگشتند و اقتصاد ناحیه سخت زیان دید، ولی رفته رفته جبران شد. در این زمینه می بایست دقت نمود که آرامنه فریدن هرگز در بردشاه ساکن نبودند و دیگر این که اقتصاد فریدن به گروه اقلیت آرامنه وابستگی چندانی ندارد، کما این که امروزه نیز تعداد آرامنه ساکن در فریدن بسیار اندکند.

مؤلف بردشاه را برده شاه در نظر گرفته، در صورتی که در زبان بختیاری برد به معنای سنگ است و ش-شه به معنای سیاه، کما این که اطراف روستای فوق را سنگ های سیاه فراگرفته که معنای فارسی آن سنگ سیاه است در مقابل سنگ سفید که نمونه های متعددی از آن در نام آبادی های ایران وجود دارد. لازم به ذکر است این آبادی را براساس همین پندار غلط که برده شاه نامیده شده است به آزادگان تغییر نام داده اند (پژوهشی بر نام شهرها و آبادی های ایران، ص ۲۵).

۴۶. در صفحه ۱۹۶ مؤلف در معنانشناسی بردشیر آن را به معنای شهرگل آورده است. در حالی که بردشیر به معنای شیرسنگی است. البته این معنا در زبان بختیاری های ساکن منطقه عنوان گردیده است و معنای بردسیر یا بردشیر واقع در استان کرمان خارج از این معناست.

۴۷. در صفحه ۲۰۷ بفرویه را دیهی بزرگ واقع در دهستان میبید از شهرستان یزد عنوان نموده است. اولاً این آبادی در محدوده استان اصفهان نیست، ثانیاً بفرویه امروزه از جمله شهرهای استان یزد است، ثالثاً دهستان میبید امروزه از جمله شهرستان های استان یزد می باشد.

۴۸. در صفحه ۲۱۲ ذکر دهستان بنادکوک یزد به میان آمده است که در محدوده اصفهان نمی باشد.

۴۹. در صفحه ۲۱۷ ذکر آبادی بنساده واقع در استان یزد به میان آمده که مربوط به اصفهان نمی باشد.

۵۰. در صفحه ۲۱۸، باز ذکر دو آبادی بنساره و بنه رنگ مربوط به استان یزد به میان آمده است.

۵۱. در صفحه ۲۲۱ بوئین را نام شهرکی آورده است در ناحیه میانداشت از شهرستان فریدن. امروزه بوئین و میانداشت بر اثر افزایش جمعیت و گسترش محدوده جغرافیایی به یکدیگر پیوسته و تشکیل شهر بوئین و میانداشت را داده و مرکز بخشی به همین نام می باشد. مؤلف معنای بوئین را مکان دلنشین با آب

۳۳. در صفحه ۱۳۶ آبادی اشکووه مورد بحث در دهستان کذاب یزد مورد بحث قرار گرفته.

۳۴. صفحه ۱۳۶: آبادی اشگالو نیز در استان یزد واقع است و در اصفهان نیست.

۳۵. در صفحه ۱۳۹ آشن از جمله دبه های دهستان علویچه از شهرستان نجف آباد محسوب گردیده. در صورتی که این آبادی در شهرستان تیران و کرون واقع است.

۳۶. در صفحه ۱۴۷ افجان دیهی خوش آب و هوادر روستان کرون نجف آباد محسوب گردیده. ضمن آن که محسوب کردن دبه از روستای دیگر نادرست است، روستای فوق در شهرستان تیران و کرون واقع است.

۳۷. در صفحه ۱۴۷ مؤلف آبادی اصفهانک را جزء شهرستان فریدن محسوب نموده که در شهرستان فریدونشهر واقع است.

۳۸. در صفحه ۱۵۷ در ذکر انارک در شهرستان نائین، آن را دیه محسوب نموده. در حالی که انارک در سال ۱۳۳۷ به شهر تبدیل گردیده است.

۳۹. در صفحه ۱۶۵ آبادی اندیجان جزء دهستان وردشت سمیرم محسوب گردیده. در حالی که این آبادی در دهستان حومه سمیرم واقع است.

۴۰. در صفحه ۱۶۹ شهر بروجن یا به قول مؤلف اورجن از دیه ای اصفهان شمرده شده. در حالی که از جمله شهرهای استان چهارمحال و بختیاری و مرکز شهرستانی به همین نام است که در سال ۱۳۷۵ دارای ۴۲۸۶۲ نفر جمعیت بوده است.

۴۱. در صفحه ۱۷۳ اوزناک را دیهی از دهستان کذاب شهرستان یزد ذکر کرده که در محدوده اصفهان نمی باشد.

۴۲. در صفحه ۱۷۹ آبادی بادامک، دهستان تنک چنار شهرستان یزد مورد بحث واقع که در محدوده اصفهان نمی باشد.

۴۳. در صفحه ۱۸۰ آبادی «جاز» واقع در دهستان بنادکوک یزد مورد بحث قرار گرفته است که خارج عنوان کتاب است.

۴۴. در صفحه ۱۸۴ در ذکر باغ وردان (باغ بهادران) فاصله آن را ۹تا۸ فرسنگ تا اصفهان ذکر نموده که این فاصله به کیلومتر اکنون ۵۸ کیلومتر است.

خوب و خوش آورده است، در حالی که منابع دیگر بوئین را به معنای انبار آورده‌اند (سیمای شهر اراک، ج ۱، ص ۲۶ و نیز دیباچه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن، ص ۱۳۰).

۵۲. در صفحه ۲۲۳ بوران را دیه‌ای کوچک در عداد دیه‌های کوهستان جبل محسوب نموده است، ولی این که کوهستان جبل جزء کدام شهرستان یا بخش یا ناحیه است مشخص نگردیده است!

۵۳. در صفحه ۲۲۵ دو آبادی بوق و بوز در یزد مورد بحث قرار گرفته که خارج از محدوده استان اصفهان است.

۵۴. در صفحه ۲۲۸ بیراگان را دیه‌ای در دهستان پشتکوه فریدن محسوب نموده که صحیح آن، شهرستان فریدونشهر می‌باشد.

۵۵. در صفحه ۲۲۹ آبادی‌های پشندگان، دزک، سو، شوله، کولاد و لید از جمله آبادی‌های شهرستان فریدن محسوب گردیده که صحیح آن از جمله آبادی‌های شهرستان فریدونشهر می‌باشد.

۵۶. در صفحه ۲۳۴ آبادی یتیکان را آبادی واقع در شهرستان دیرینه سال بهاباد منظور نموده است. اولاً بهاباد از جمله شهرهای جدید استان یزد است و شهرستان نمی‌باشد، ثانیاً این آبادی در محدوده استان اصفهان نمی‌باشد.

۵۷. در صفحه ۲۳۷ پشندگان را آبادی در ناحیه فریدن در دهستان پشتکوه موگویی آورده است که در واقع این آبادی در شهرستان فریدونشهر واقع است. سایر اوصاف فریدن در این صفحه همچون صفحات متعدد دیگر تکرار مکررات است.

۵۸. در صفحه ۲۵۶ در سطر ۸ تجربه دهی در شهرستان گلپایگان محسوب و در سطر ۱۰ همین صفحه این آبادی در زمره آبادی‌های دهستان کوهسار شهرستان خوانسار محسوب گردیده که در واقع یک مکان در دو نقطه متفاوت در نظر گرفته شده است.

۵۹. در صفحه ۲۵۶ آبادی ترزه (طرزه) از جمله آبادی‌های دهستان پشتکوه فریدن محسوب گردیده. در صورتی که آبادی فوق از جمله آبادی‌های شهرستان فریدونشهر است.

۶۰. در صفحه ۲۶۱ شهر تفت واقع در استان یزد را دیه‌ای در نزدیک یزد منظور نموده. اولاً تفت شهر است و دیه نیست، ثانیاً در استان یزد واقع است و در محدوده استان اصفهان نمی‌باشد.

۶۱. در صفحه ۲۶۷ آبادی تنگلو واقع در دهستان پشتکوه یزد مورد بحث است که مربوط به اصفهان نمی‌باشد.

۶۲. در صفحه ۲۶۸ آبادی توده از جمله آبادی‌های دهستان میان کوه یزد ذکر گردیده که مربوط به اصفهان نمی‌باشد.

۶۳. در صفحه ۲۷۳ شهر تیران مرکز شهرستان تیران و کروند را دهی از آبادی‌های شهرستان نجف‌آباد محسوب نموده است.

۶۴. در صفحه ۲۷۶ آبادی تیکن را جزو دهستانی با نام ساختگی عربستان از شهرستان گلپایگان محسوب و عربستان را نام ساختگی بی‌مسمی مطرح نموده. در این خصوص لازم به توضیح است که دهستان عربستان به منطقه وسیع شرق شهرستان‌های گلپایگان، خوانسار و تیران و کروند تا بخش دهق و علویچه گفته می‌شود که به علت کوچ اجباری اعراب در این ناحیه در طول تاریخ به ناحیه عربستان معروف گردیده است. در برخی از روستاهای این دهستان که اعراب در آن ساکن گردیده‌اند هنوز هم واژه‌های عربی کاربرد دارد. گروهی از این اعراب در صدر اسلام به این ناحیه کوچیده و گروه دیگر را نادرشاه از شمال خراسان به این ناحیه کوچاند (جغرافیای خوانسار، ج ۲، ص ۲۵۷).

۶۵. در صفحه ۲۷۹ آبادی جاجا را از جمله آبادی‌های دهستان ورپشت شهرستان نجف‌آباد نامیده است. این آبادی در شهرستان تیران و کروند واقع است.

۶۶. در صفحه ۳۰۱ جندق را نام دهستانی در بخش خورویبیانک نام برده و به نقل از فرهنگ معین آورده است که جندق شهرستانی است در میان کویر نمک که دیه بزرگ آن خور است. در این خصوص ذکر این نکته لازم است که جندق یکی از شهرهای شهرستان نائین است و این که فرهنگ فارسی معین، ج ۵، ص ۴۳۴ آن را شهرستانی در میان کویر آورده صحیح نیست و شهرستان نائین در میان کویر نمک واقع و جندق از شهرهای آن است.

۶۷. در صفحه ۳۲۰ چرمهین را از دیه‌های اصفهان آورده است. حال آن که چرمهین دیه نیست و شهر است و در سال ۱۳۷۵، ۱۳۳۵ نفر جمعیت داشته است.

۶۸. در صفحه ۳۲۹ چم را دیه‌ای از دیه‌های دهستان پشتکوه یزد عنوان نموده که در خارج از محدوده استان اصفهان است و ذکرش بی‌مناسبت.

۶۹. در بیان معنای چوم گوید که این واژه در زبان فارسی معنای ندارد. در این خصوص باید گفت که «چام-Gam» در گویش سامان و شهرکرد و «چوم-Gum» در گویش محلی

۷۵. در صفحه ۳۵۰ خوراسگان رادیه اصفهان ذکر نموده. در صورتی که این شهر در سال ۱۳۷۵ دارای ۶۱۲۱۱ نفر جمعیت بوده است.
۷۶. در صفحه ۳۵۶ در ذکر خورمیز، آن را نام دو دیه بالا و پایین از دهستان حومه مهریز در استان یزد آورده است که در محدوده استان اصفهان نمی باشد.
۷۷. در صفحه ۳۵۷ ذکر آبادی خوره در شهرستان یزد به میان آمده. همچون بسیاری دیگر از آبادی ها مربوط به اصفهان نمی باشد.
۷۸. در صفحه ۳۶۵ خویه رادیهی در شهرستان فریدن دهستان پشتکوه مگویی آورده است که صحیح آن شهرستان فریدونشهر است.
۷۹. صفحه ۳۷۶ آبادی دامنه شهرستان فریدن رادیه ای در کنار شاهراه خوزستان در سمت راست مسیر ذکر نموده و آن را در دامنه کوه کوچکی دانسته است. اولاً دامنه از جمله شهرهای شهرستان فریدن است و دیه نیست، ثانیاً در سمت چپ مسیر جاده خوزستان قرار دارد، ثالثاً کوه کوچکی که آبادی دامنه در دامنه آن واقع است رشته کوه دالانکوه نام دارد. مؤلف در ادامه مدعی است در داران که مرکزیت دارد زبان همگانی ترکی است. در صورتی که از قدیم الایام داران از جمله مراکزی بوده در فریدن که زبان اصلی آنان فارسی بوده است. وی می افزاید از قراری که شنیدم زبان ترکی روز به روز توسعه می یابد. چرا چنین است که ترکی رواج می یابد و پارسی در آنجا به واپس می گراید. این سؤالی است که بدان پاسخی آن چنان نمی توان داد و اصلاً زبان ترکی از چه تاریخی در آن نفوذ کرده آن را هم درست نمی دانیم. به گمان من و بیشتر پژوهشگران، زبان ترکی با سلجوقیان آمده و توسعه یافته است. در پاسخ این مطلب بایست گفت اتفاقاً زبان ترکی در اکثر مناطق فریدن همچون سایر گویش های محلی در سایر نقاط کشور رو به نابودی است و زبان فارسی جایگزین آن می شود، دوم این که مهاجرت قوم ترک زبان به فریدن از ترک زبانان قزلباش زمان صفویه می باشند. جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به «جغرافیای تاریخی فریدن»، پرتیکان باستان، ص ۱۲۰ در ادامه مؤلف در معنانشناسی دامنه دچار سرگشتگی گردیده و آن را با واژه دام و دامن و دامان و غیر مقایسه نموده و نهایتاً آن را از واژه دامان دانسته و مخفف آن را دامن و با اضافه «ه» غیر ملفوظ به معنای جایی که برای تخم افشانی مناسب باشد گرفته است.
- دامنه همچنان که گذشت شهری است در دامنه رشته کوه

الیگودرز، نجف آباد و سمیرم به بادهای بسیار سرد نابهنگام بهاری و پاییزی گویند که سرمای بهاره آن سبب سیاه شدن و سرمازدگی شکوفه های درختان میوه و به ویژه بادام و آلو گشته و نیز موجب سرمازدگی باغات انگور و مزارع پنبه می شود؛ در این خصوص مراجعه کنید به مقاله «چوم سوزان سازمان ستی مبارزه با سرمای نابهنگام» در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۱، صفحه ۱۰۶.

۷۰. آبادی چین را جزو دهستان پشتکوه مگویی شهرستان فریدن ذکر نموده که صحیح آن شهرستان فریدونشهر است.

۷۱. آبادی خارنگ دیهی در دهستان بهاباد شهرستان یزد ذکر شده. اولاً در محدوده استان اصفهان نیست، ثانیاً بهاباد از جمله شهرهای استان یزد می باشد و دهستان نیست.

۷۲. در صفحه ۳۳۹ خرائق را دیهی در دهستان ریاطات یزد محسوب داشته است. این آبادی در محدوده استان اصفهان نمی باشد و ضمناً خرائق مرکز بخش خرائق واقع در شهرستان اردکان می باشد و مربوط به دهستان های یزد نمی باشد.

۷۳. در صفحه ۳۴۳ خسکک در یزد مورد بحث واقع گردید که در محدوده اصفهان نمی باشد.

۷۴. در صفحه ۳۴۵ خمین را نام محلی آورده است نزدیک گلپایگان و از حدود اصفهان و در خصوص نام آن ضمن توضیحاتی آن را «کمین» آورده است به معنای محل منسوب به آفتاب که صحیح به نظر نمی رشد. گفتمی است برای نخستین بار نام «خمین» (خمهین) در کتاب تاریخ پیامبران و پادشاهان آمده.

در تألیف این کتاب از برخی منابع کهن از جمله خداینامه سود جسته شده؛ حمزه اصفهانی در شرح زندگی طبقه دوم پادشاهان ایرانی (کیانی) می نویسد: «وی شمیران دختر بهمن و «هما» لقب اوست به بلخ می نشست و یک بار لشگریان وی با مردم جنگیدند و گروه بسیاری را اسیر گرفتند و هما بنایان ایشان را به ساختن بناهای موسوم به مصانع اصطخر که به فارسی هزار ستون گویند برگماشت. در اصفهان نیز در روستای موسوم به تیمره (کمره) شهری زیبا و شگفت آور ساخت و آن را خمهین (خمین) نامید. این شهر به دست اسکندر ویران شد. ابراهیم دهگان در کرجنامه در خصوص معنانشناسی خمین آن را به معنای جایگاه خوب و یا سرزمین مقدس آورده است».

دالانکوه و به واسطه واقع شدن در دامنه کوه به این نام شهرت یافته است. دامنه قدیم در مرکز دشت، موسوم به قهیز واقع بوده و بین دامنه قدیم و شهر جدید چندین کیلومتر فاصله است و به سبب آن که این آبادی در انتهای نیزار قهیز واقع بوده به «دُم نی» به معنای انتهای نیزار موسوم بوده است؛ پس از جابه جایی مکانی و واقع شدن در دامنه دالانکوه به دامنه شهرت یافت.

۸۸. در صفحه ۴۰۲ ذکر آبادی «دیزرون» در یزد به میان آمده است که در محدوده اصفهان نمی باشد.

۸۹. در صفحه ۴۰۶ دیزیجه در صفحه ۴۰۴ جزء لنجان محسوب گردیده، در صفحه ۴۰۶ جزء اصفهان محسوب گردیده. در صورتی که این شهر جزء شهرستان مبارکه می باشد با ۹۵۷۹ نفر جمعیت در سال ۱۳۷۵.

۹۰. در صفحه ۴۰۷ دیلم را نام دیهی آورده از دهستان حومه یزد که از محدوده اصفهان خارج است.

۹۱. صفحات ۴۰۹ و ۴۱۰ دیو از دهستان رباطات یزد مورد بحث است که خارج از محدوده اصفهان می باشد.

۹۲. در صفحه ۴۱۱ راجه را در محدوده دهستان پشتکوه موگویی فریدن محسوب داشته و به واژه نامه فریدن ارجاع داده است. در صورتی که این آبادی در پشتکوه موگویی شهرستان فریدونشهر واقع است.

۹۳. صفحه ۴۱۹ رزوه را به فتح اول، نام دیهی بزرگ در دهستان چاوگان در شهرستان فریدن عنوان نموده است. اولاً در تلفظ مردمان منطقه رزوه به ضم اول است، ثانیاً رزوه از جمله شهرهای شهرستان فریدن می باشد.

۹۴. در صفحه ۴۳۸ ذکر آبادی زانیان به میان آمده است که در استان چهارمحال و بختیاری واقع است و مربوط به اصفهان نمی باشد.

۹۵. در صفحه ۴۳۹ ذکر آبادی زاوه به میان آمده در دهستان عقدا از توابع یزد. اولاً زاوه در محدوده اصفهان نیست، ثانیاً دهستان عقدا در شهرستان اردکان واقع است. زاوه به معنای خانقاه و گوشه صوفیان است. مؤلف آن را از زه آوه به معنای محل آب منظور نموده است که جای تأمل است.

۹۶. در صفحه ۴۴۳ آبادی زرنه مورد بحث قرار گرفته و آن را دیهی در دهستان گرجی فریدن دانسته و در ادامه گوید که ساکنان آن همه گرجی اند و ... زرنه در بخش بوئین میاندشت فریدن واقع است و تنها روستای صد در صد ارمنی نشین ایران می باشد و آرامنه به آن «بولوران» به معنای تپه گرد گویند. این آرامنه در زمان شاه عباس به این منطقه کوچانده شدند (جهت اطلاع بیشتر به کتاب جغرافیای تاریخی فریدن مراجعه شود).

۹۷. در صفحه ۴۴۴ ذکر آبادی زیرگان در دهستان بهاباد به

۸۰. در صفحه ۳۷۸ درچه را دیه بزرگی در اصفهان ذکر نموده است. توضیح آن که درچه از جمله شهرهای شهرستان خمینی شهر در استان اصفهان است و در سال ۱۳۷۵ دارای ۳۳۳۵۶ نفر جمعیت بوده و تاریخ تأسیس شهرداری در آن به سال ۱۳۴۵ می رسد، بنابراین دیه نیست.

۸۱. در صفحه ۳۸۲ آبادی دره گت واقع در پشتکوه یزد مذکور است که مربوط به اصفهان نیست.

۸۲. در صفحه ۳۸۶ دستگر بر خوار را دیه ای از ناحیه بر خوار دانسته است. توضیح آن که دستگر شهری است با ۱۴۰۲۱ نفر جمعیت در سال ۱۳۷۵ و سابقه شهریت آن به سال ۱۳۴۵ باز می گردد (نظام شبکه شهری استان اصفهان، ص ۱۵۲).

۸۳. صفحه ۳۸۹ دلیجان را قصبه و جزء قراوقصبات محلات قلمداد نموده است؛ در صورتی که دلیجان مرکز شهرستان دلیجان و قصبه نیست، ثانیاً در استان مرکزی واقع است و در استان اصفهان نیست. در خصوص معنای آن که مؤلف محترم به خطا رفته است، مراجعه شود به منابع ذیل: «غلامرضا جوادی، دلیجان در آئینه ایران، انتشارات آستان قدس رضوی؛ حسین صفری، گویش واجی، انتشارات بنیاد نیشابور، ۱۳۷۸».

۸۴. در صفحه ۳۹۶، دوگان را نام محلی در دهستان عقدا از شهرستان یزد ذکر نموده است. اولاً این مکان مربوط به اصفهان نیست، ثانیاً دوگان تابع دهستان عقدا از بخش مرکزی شهرستان اردکان می باشد و در فاصله دوگان تا شهرستان یزد، شهرستان های مید و صدوق واقع است.

۸۵. در صفحه ۳۹۸ آبادی دهرت در دهستان بهاباد از شهرستان یزد ذکر شده است. اولاً این آبادی در محدوده اصفهان نیست، ثانیاً دهرت در بخش بهاباد، شهرستان بافق واقع است و مربوط به شهرستان یزد نمی باشد.

۸۶. در صفحه ۳۹۹ ده سور نام دو دیه علیا و سفلی در شهرستان فریدن ذکر گردیده که صحیح آن شهرستان فریدونشهر است.

۸۷. در صفحه ۴۰۱ مؤلف مدعی است دهنوده کوچکی است در شهرستان فریدن. در حالی که این آبادی در شهرستان فریدونشهر واقع است.

آن را عقدا می نامیدند، به همین دلیل این محل به عقدا معروف شده است، سوم این که در این محل چهل نفر از زرتشتیان به یکباره مسلمان شدند و به روش مسلمانان به عقد یکدیگر درآمده و سپس این محل به عقدا معروف شده است (رجوع کنید به: فرهنگ جغرافیایی استان یزد، ج ۱، ص ۲۷۴).

۱۰۶. در صفحه ۵۴۴ مبحث مربوط به فریدن به علت آن که تقسیمات کشوری قبل از انقلاب اسلامی منظور گردیده، دارای موارد بسیاری است، از جمله آن که مرکز فریدن را فریدونشهر در نظر گرفته است، در حالی که مرکز فریدن شهرداران است و وجه تسمیه فریدن را که برگرفته از نام فریدن بوده است به معنای جای خوب ذکر نموده است که مناسبتی با معنای واقعی آن ندارد و قبلاً متذکر شدیم.

۱۰۷. در صفحه ۵۵۴ فهرج را دیه بسیار بزرگ در دهستان حومه مهریز از شهرستان یزد عنوان نموده است. اولاً فهرج در استان یزد واقع است و مربوط به اصفهان نمی باشد، ثانیاً فهرج در دهستان فهرج، بخش مرکزی شهرستان یزد واقع است و مهریز شهرستانی مستقل در استان یزد می باشد.

۱۰۸. در صفحه ۵۵۸ آبادی قرقر در دهستان چادگان، شهرستان فریدن عنوان گردیده که صحیح آن، شهرستان چادگان می باشد.

۱۰۹. در صفحات ۵۵۹ و ۵۶۳ آبادی های قرون و قمی در استان یزد مورد بحث واقع گردید که خارج از محدوده اصفهان است.

۱۱۰. در صفحه ۵۶۳ آبادی قودجان واقع در شهرستان خوانسار (هم مرز با شهر خوانسار) را از دیه های حومه گلپایگان قلمداد نموده و در خصوص دهستان حومه گلپایگان تکرار مکررات نموده. در خصوص وجه تسمیه قودجان باید گفت که به علت این که دو کودک به نام های حلیمه و نرگس که از دختران اعقاب موسی بن جعفر (ع) می باشند در این مکان دفن شده اند، این مکان را کودکان یا قودجان نامیده اند (پژوهشی در نام شهرها و آبادی های ایران، ص ۱۴۷)

۱۱۱. در صفحه ۵۷۱ آبادی قیه از دهستان بنادکوک یزد ذکر شده است که مربوط به اصفهان نمی باشد.

۱۱۲. در صفحه ۵۷۳ آبادی کارکن را از جمله آبادی های شهرستان فریدن محسوب داشته است. در حالی که این آبادی در دهستان پشتکوه موگویی شهرستان فریدونشهر واقع است. در سطر ۷ اشاره گردیده که شاه عباس، آرامنه را به نواحی فریدن کوچاند و همچنین از ناحیه گرجستان نیز کسانی را به آن جا (فریدن) آورد و دهستان گرجی را تشکیل داد. در بخش زرنه صفحه ۴۴۳ اشاره شده بود که آرامنه در اصفهان ساکن گردیدند و گرجی ها در فریدن که همخوانی ندارد.

میان آمده که خارج از محدوده اصفهان است.

۹۸. در صفحه ۴۶۴ آبادی ساعتد را دیه بزرگی با نامی باشکوه در دهستان رباطات یزد عنوان نموده است. اولاً این آبادی مربوط به اصفهان نیست، ثانیاً ساعتد در دهستان رباطات از بخش خرائق شهرستان اردکان واقع است.

۹۹. در صفحه ۴۷۱ آبادی سکان را نام دیهی در دهستان پشتکوه موگویی در شهرستان فریدن آورده است. در صورتی که سکان در دهستان پشتکوه موگویی، بخش حومه شهرستان الیگودرز استان لرستان واقع است.

۱۰۰. در صفحه ۵۰۵ ذکر آبادی ای به نام سیتان به میان آمده در دهستان چادگان از شهرستان فریدن که مؤلف مدعی است این ناحیه از این پیش کروک نامیده می شد. در فرهنگ آبادی های این ناحیه، چنین نامی یافت نشد.

۱۰۱. در صفحه ۵۰۹ ذکر آبادی شاهان در دهستان فریدن شهرستان اصفهان به میان آمده. اولاً چنین آبادی ای در فریدن وجود ندارد، ثانیاً همچنان که گذشت فریدن شهرستان است و دهستان نیست و بین فریدن تا اصفهان، ۱۵۰ کیلومتر فاصله است؛ بنابراین حتی اگر فریدن دهستان باشد باز در شهرستان اصفهان نیست.

۱۰۲. در صفحه ۵۱۲ از آبادی شواز در دهستان بنادکوک یزد سخن به میان آمده که در خارج از محدوده اصفهان است.

۱۰۳. در صفحه ۵۱۵ آبادی شوله را دیه کوچکی از دهستان پشتکوه موگویی در شهرستان فریدن ذکر نموده است در صورتی که این آبادی در شهرستان فریدن شهر واقع است.

۱۰۴. در صفحه ۵۲۸ از آبادی عاریض در دهستان حومه بافق به میان آمده که مربوط به اصفهان نیست.

۱۰۵. در صفحه ۵۲۹ عقدا را آبادی یا شهرکی بزرگ ذکر نموده، در دهستانی به همین نام. اولاً عقدا در شهرستان اردکان استان یزد واقع است و مناسبتی با اصفهان ندارد، ثانیاً مؤلف محترم عقدا را به معنای محل آب در نظر گرفته است که مناسبتی با وجه تسمیه عقدا ندارد. در خصوص وجه تسمیه عقدا سه روایت مطرح است: اول این که در زمان مغولان سه سردار به نام های عقدا، میبدار و بیدار سه ناحیه را آباد و به نام خود نام گذاری نمودند، دوم این که چون در این محل درختان خرما بوده و اعراب

۱۱۳. در صفحه ۵۷۴ رودخانه کارون مورد بحث است. اولاً رودخانه آبادی نیست، ثانیاً مربوط به اصفهان نیست. مؤلف مدعی است که چون سرچشمه آن از زردکوه بختیاری است بنابراین مربوط به اصفهان است. در این خصوص ذکر این نکته ضروری است که زردکوه بختیاری همچنان که نام آن مشخص است در چهارمحال و بختیاری واقع است و هیچ ربطی به اصفهان ندارد، مگر این که چهارمحال را دیه ای از دیه های اصفهان بدانیم.
۱۱۴. در صفحات ۵۷۷ و ۵۸۰ دو آبادی کاشکو و کالمن واقع در استان یزد مورد بحث است که در خارج از محدوده اصفهان واقعند.
۱۱۵. در صفحه ۵۸۱ آبادی کتک در شهرستان شهرکرد مورد بحث واقع گردیده که در استان چهارمحال و بختیاری واقع است.
۱۱۶. در صفحات ۵۹۲-۶۰۸، ۶۱۴ و ۶۱۹ آبادی های کذبچه، کرمک، کرو، کرهنگ و کفیر در استان یزد قرار دارند و مربوط به اصفهان نمی باشند.
۱۱۷. در صفحه ۶۰۱ آبادی کرو زوم به غلط کرزم عنوان گردیده و از سوی این آبادی در شهرستان فریدونشهر واقع است که مؤلف آن را در فریدن اصفهان قلمداد نموده است.
۱۱۸. در صفحه ۶۲۷ معنانشناسی کلو سه، آن را به معنای محل جریان آب آورده است. در صورتی که کلو سه همان کرفس است که عشایر چهارسنگ بختیاری منطقه آن را کلو سه گویند و این منطقه از مناطق بزرگ رویش گیاه کرفس می باشد.
۱۱۹. در صفحه ۶۳۸ آبادی کمران را از جمله آبادی های شهرستان فریدن منظور نموده. در صورتی که در شهرستان فریدونشهر واقع است.
۱۲۰. در صفحات ۶۴۰، ۶۴۶ و ۶۵۶ آبادی های کم کوه، کنگاه و کهدوئیه در استان یزد مورد بحث قرار گرفته است.
۱۲۱. در صفحه ۶۴۲، آبادی کمیتک را در دهستان چادگان شهرستان فریدن محسوب نموده. در صورتی که این آبادی در شهرستان چادگان واقع است.
۱۲۲. در صفحه ۶۵۹ آبادی کهرت واقع در شهرستان خوانسار را از جمله آبادی های پشتکوه شهرستان گلپایگان منظور نموده است.
۱۲۳. در صفحات ۶۵۹، ۶۶۷، ۶۸۳ و ۷۰۵ آبادی های کهکین، کیه، گزومه و لاجر در استان یزد واقع و مربوط به اصفهان نیست.
۱۲۴. در صفحه ۶۷۱ ذکر باتلاق گاوخانی به میان آمده که
- زاینده رود به آن می ریزد. نیازی به توضیح نیست که گاوخانی آبادی نیست، بلکه باتلاقی است (فصلی یا دریاچه فصلی).
۱۲۵. در صفحه ۶۸۴ آبادی گشنگان در شهرکرد مورد اشاره قرار گرفته که مربوط به استان چهارمحال و بختیاری است.
۱۲۶. در صفحه ۶۸۷ در میان گلپایگان اشاره به دهستان عربستان نمود و تکرار مکررات. در بخش های قبل مورد بحث قرار گرفت و علت نامگذاری آن و کوچ اعراب به این محل ذکر شد.
۱۲۷. در صفحه ۶۸۸ جنگه را از آبادی های شهرستان گلپایگان محسوب نموده. در صورتی که جنگه نام محلی است در شرق شهر خوانسار که جنگ افغان ها و مردم خوانسار در پایان سلسله صفویه در این مکان اتفاق افتاده و علت نامگذاری آن نیز به این سبب است.
۱۲۸. در صفحه ۶۹۲ آبادی گنهران یا گلهران را در محدوده شهرستان نجف آباد محسوب نموده. در حالی که این آبادی در شهرستان تیران و کروند واقع است.
۱۲۹. در صفحه ۶۹۵ آبادی گورکان بالا و پایین را در دهستان پشتکوه موگویی فریدن ذکر نموده که صحیح آن شهرستان فریدونشهر می باشد و نیز در صفحه ۷۱۳ آبادی لاوه فریدونشهر، در محدوده فریدن منظور گردیده است.
۱۳۰. در صفحه ۷۲۰ در بیان لنگ، آن را یک طایفه آریایی در نظر گرفته و چهارسنگ و هفت سنگ را ایل خوانده است. در صورتی که هفت سنگ و چهارسنگ دو طایفه از ایل بختیاری می باشند. از نظر مکانی طایفه هفت سنگ را در فریدن و چهارسنگ را در بختیاری دانسته است. در صورتی که طایفه چهارسنگ در شهرستان فریدونشهر و فریدن است و هفت سنگ در چهارمحال و بختیاری بیلاق می نمایند.
۱۳۱. در صفحه ۷۲۵ هادی را که نام نهرهای جاری در داخل شهر اصفهان است و از زاینده رود منشعب است در ردیف آبادی ها ذکر نموده است که نادرست است.
۱۳۲. در صفحات ۷۳۸ و ۷۴۵ دو آبادی مازه ابول و مزان واقع در دهستان پشتکوه شهرستان فریدونشهر را از جمله آبادی های شهرستان فریدن محسوب نموده است.
۱۳۳. در صفحات ۷۴۱، ۷۵۰، ۷۵۵ و ۷۵۷ آبادی های مدوار، مفتان، منشار و منگ آباد از جمله آبادی های استان یزد می باشند و خارج از محدوده اصفهان و از سوی مهریز یکی از دهستان های شهرستان یزد منظور نموده که امروزه مهریز یکی از شهرستان های استان یزد می باشد.
۱۳۴. در صفحه ۷۵۸ آبادی موته از جمله آبادی های میمه در شهرستان اصفهان ذکر شده است که صحیح آن شهرستان

شهرستان تبدیل شده است و اکنون ۵۷ سال از این موضوع می‌گذرد.

۱۴۴. در صفحه ۸۶۳ آبادی ویجه را از دهستان پشتکوه فریدن محسوب داشته است. صحیح آن شهرستان فریدونشهر است.

۱۴۵. در صفحات ۸۶۶، ۸۷۶، ۸۸۴، ۸۸۶، ۸۹۲، ۸۹۸، ۸۹۹ و ۹۰۰ آبادی‌های مورد اشاره شامل دوهامانه، هر سک، هفتاد دُر، هفتهر، همیجان، هنزا، هنگره و هنله همگی در استان یزد واقع و بر اساس تقسیمات کنونی کشوری با آنچه ذکر گردیده است، متفاوت است.

۱۴۶. در صفحه ۸۶۸ آبادی هباد (حبیب آباد) را دیهی در ناحیه بر خوار آورده است. در حالی که حبیب آباد از جمله شهرهای استان اصفهان است.

۱۴۷. در صفحه ۸۷۲ آبادی هیبیک یا حبیبیک از جمله آبادی‌های دهستان پشتکوه موگویی فریدونشهر را از جمله آبادی‌های شهرستان فریدن محسوب نموده است.

۱۴۸. در صفحه ۸۸۷ آبادی هلاب را در دهستان چادگان از شهرستان فریدن محسوب کرده است. اولاً چادگان خود شهرستانی مستقل است و ثانیاً دیهی بدین نام در شهرستان فریدن و چادگان وجود ندارد.

۱۴۹. در صفحات ۹۰۱ و ۹۰۲ آبادی‌های هنو و هودر را در دهستان عقدا از شهرستان یزد محسوب داشته که صحیح آن شهرستان اردکان است.

۱۵۰. در صفحه ۹۰۲ هوره دیهی در دهستان لار از شهرستان شهرکرد عنوان گردیده که خارج از محدوده اصفهان است.

۱۵۱. در صفحه ۹۰۳ آبادی هوش و در صفحه ۹۱۶ شهر یزد مورد بحث واقع گردیده که مؤلف این دو مکان را نیز از جمله آبادی‌های اصفهان منظور داشته است.

۱۵۲. در صفحه ۹۰۵ آبادی هومان را در دهستان تیران از شهرستان نجف آباد عنوان نموده. صحیح آن شهرستان تیران و کرون می‌باشد.

۱۵۳. صفحات ۹۰۶، ۹۱۰ و ۹۱۱ آبادی‌های هومه، هیران و هیزم از جمله آبادی‌های شهرستان فریدونشهر می‌باشد که مؤلف از جمله آبادی‌های شهرستان فریدن منظور نموده است.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که آبادی‌های خارج از استان اصفهان نیز که در فرهنگ مورد بحث واقع گردیده اند با تقسیمات کشوری مطابقت ندارد.

بر خوار و میمه می‌باشد و نیز صفحه ۷۵۹ موچه خورت از جمله آبادی‌های شهرستان بر خوار و میمه است که در محدوده شهرستان اصفهان منظور گردیده است.

۱۳۵. در صفحه ۷۶۱ موردان را نام چشمه‌ای در سمت شمال شاهانکوه عنوان نموده که اکنون خشکیده است و از سوی نام آبادی نیست و در فرهنگ آبادی‌ها جایگاهی ندارد.

۱۳۶. در صفحات ۷۷۳، ۷۷۵، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۸۰، ۸۰۴، ۸۱۷، ۸۲۴ و ۸۳۵ آبادی‌های مهرگرد، مهریز، (دهستان در نظر گرفته شده، در صورتی که خود شهرستانی مستقل است) و میبد که خود شهرستانی است مستقل، ولی در محدوده شهرستان یزد محسوب گردیده. میامی، ناروان، ندگان، ندوشن، نیر و ننگان و نیوک و وارعون همگی در استان یزد و خارج از محدوده استان اصفهان هستند.

۱۳۷. در صفحه ۷۸۳ شهر میمه را شهرکی در شهرستان اصفهان محسوب نموده که صحیح آن شهری در شهرستان بر خوار و میمه است.

۱۳۸. در صفحه ۷۹۷ نسا را دیهی در دهستان چادگان منظور نموده، در شهرستان فریدن و معنای آن را آب ذکر نموده است. اولاً نسا (اسکندری) در شهرستان چادگان واقع است نه دهستان چادگان، ثانیاً نسا و نسا به معنای محل پشت به آفتاب در مقابل بر آفتاب، کما این که دو مکان اسکندری بر آفتاب و اسکندری نسا در چادگان به همین معناست که گاهی اسکندری نسا را مخفف نموده، نسا گویند.

۱۳۹. در صفحه ۸۱۰ ذکر نه‌اوند در استان همدان به میان آمده که مربوط به اصفهان نیست.

۱۴۰. در صفحه ۸۳۶ آبادی ورپشت را دیهی از دهستان کرون، بخش حومه شهرستان نجف آباد ذکر نموده که صحیح آن شهرستان تیران و کرون است.

۱۴۱. در صفحه ۸۴۱ ورنامخواست را دیهی از دهستان اُشیان در شهرستان لنجان آورده است. صحیح آن که ورنامخواست از جمله شهرهای شهرستان لنجان می‌باشد.

۱۴۲. در صفحه ۸۴۵ وزوان را دیه بزرگی در کنار شاهراه اصفهان آورده است. صحیح آن که وزوان از جمله شهرهای شهرستان بر خوار و میمه است.

۱۴۳. در صفحه ۸۴۷ زوه را دیهی در دهستان پشتکوه موگویی از شهرستان فریدن محسوب داشته که صحیح آن شهرستان فریدونشهر است. مؤلف در ادامه گوید: فریدن امروزه برای خودش شهرستانی شده و نام و نشانی پیدا کرده است. در تصحیح این سخن باید گفت فریدن در سال ۱۳۲۶ به

